

دکتر غلامرضا افراسیابی *

برج و باروی شیراز دروازه‌ها و کل‌ها

برای ساکنین غیر بومی شیراز و مسافرین و گاهی برخی از خود مردم شیراز در مورد کلمه «کل» و معنی این واژه غریب و وجه تسمیه پاره‌ای از اماکن شیراز، بدین نام، پرسشی ذهنی حاصل می‌گردد. در گوشه‌های مختلف شهر از خاور و باختر و شمال و جنوب، جایهائی بدین نام معروفیت دارند: کل مشیر، کل شاهزاده قاسم، کل شیخ ابوذرعه، و کل تیموری. و مردم هر روزه بناچار یکی دوبار و گاهی بیشتر این کلمه را بدون دریافتن معنی و شناختن واقعیت مسمای آن بر زبان می‌آورند.

در پاره‌ای از فرهنگ‌های کهن فارسی، نظیر فرهنگ فرس اسدی و صحاح الفرص این کلمه و مفهوم آن مضبوط نیست و در فرهنگهای دیگر از برهان قاطع، فرهنگ جهانگیری، فرهنگ سروری، فرهنگ آندراج و فرهنگ معین، معانی

* استاد یاری بخش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پهلوی

مختلفی برای آن ذکر گردیده: کچل، جمع بهائم عموماً و گاو میش نر خصوصاً،

شاخ، منحنی و کوز، کوتاه، قلعه، قریه، ناقص. (۱)

در لهجه عامیانه مردم شیراز کلمه «کل» بیشتر به صورت صفت و بمعنی شکسته و ناقص مستعمل می باشد مانند کاسه کل، کوزه کل، بشقاب کل، دندان کل. در نواحی مختلفه دشمن زیاری و ممسنی فارس، لفظ «کل» و «کلو» بمعنی دیوانه می آید. در شهر فسا، شهر قدیمی و تاریخی ایران و مرکز زبان فارسی سره و پاک، نیز از این کلمه معنی شکسته و ناقص اراده میشود و مثل مشهور: «کوزه گراز کوزه شکسته آب میخورد» (۲) را به صورت «کوزه گر کوزه شکسته» بیان میکنند همچنین در این شهر به دیواری که مردم برای عبور قسمتی از آنرا فروریخته و معبر ساخته اند، نیز «کل» میگویند.

در هر حال باید با توجه به معانی فرهنگی یا عامیانه و مصطلح فوق و ارتباط آن معانی با گذشته تاریخی این شهر، برای «کل» مفهومی اتخاذ شود. به شهادت تاریخ، شهر شیراز تا سالهای نه چندان دور پیش در میان بارویی محصور بوده و برجهایی داشته است.

این حصار با سپری شدن ایام و تأثیر عوامل طبیعی و غیر طبیعی و برخی هلال سیاسی روبرویرانی رفته و بالاخره بکلی از میان برداشته شده است.

پی ریزی حصار شیراز را به صمصام الدوله بن عضد الدوله دیلمی نسبت میدهند «ابو غانم بن عمید الدوله باجمعی اعیان، به طرف شیراز منحدر گشتند و به قلعه ای از قلاع فارس تحصن نمودند و در نواحی شهر خرابی میکردند. عماراتی چند که عضد الدوله در سوق الامیر و کرد فنا خسرو کرده بود خراب گردانیدند و چوبها و قله و آهنها به قلعه ها کشیدند. با کالیجار (۳) عظیم مخوف گشت و حکم فرمود تا

۱- رك . فرهنگ فرس اسدی، صحاح الفرس، برهان قاطع، فرهنگ جهانگیری، فرهنگ

سروری، فرهنگ آندراج و فرهنگ معین.

۲- رك . امثال و حکم دهخدا، سومین جلد ص ۱۲۶۶.

۳- صمصام الدوله .

سوری استوار پیرامن شهر شیراز در کشیدند و پیش از آن شهر شیراز را سورا نمود (۱) از این حصار تار و زنگار پادشاهان سلغری جز آثاری برجای نماند و درین عصر به فرمان اتابک سعد بارویی تازه به جای آن بر آوردند: «... یکی دیگر سوری که اتابک جلال الدین چاولی در عهد دیالمه از بهرحصن شیراز کرده بود، در زمان اتابک سعد روی به خرابی نهاد و هیچ اثر از آن باقی نماند. اشارت فرمود تا پیرامن شهر شیراز سوری از نو بنیاد نهادند و تمام کردند» (۲)

سور سلغری نیز بمرور ایام روبه ویرانی نهاد و تنها خرابه‌هایی از آن برپای ایستاد و چون دور پادشاهی به سلطان محمود، غازان خان، ایلخان مغول رسید به- ساختن دیواری تازه فرمان داد:

«چون برج و باروی شیراز نزدیک بانهدام شده بود و به مسمع ایلخان رسید، فرمان صادر گردید که بارویی رفیع و خندقی عمیق به گرد شهر شیراز احداث کنند و چون فصل پاییز بود، بنای آن را در سال هفتصد و دو گذاشتند و بانجام رسانیدند» (۳) در هنگام پادشاهی سلطان ابوسعید پسر سلطان محمد خدا بنده و فرمانروائی شاه محمود انجوی در شیراز، ساختمان باروی شیراز تجدید گردید: «... و بعد از آن روی به خرابی نهاد و به مرور ایام خراب من شد، تا به حدی که در اکثر مواضع بغیر از آثاری نماند. ملک اعظم سعید شرف الدین محمود شاه طاب ثراه، سوری معتبر به- اصل پیرامن شهر در کشید، و خطه شیراز را به آن واسطه مضبوط گردانید» (۴) این دیوار هم تا زمان پادشاهی کریم خان زند، وکیل الرعایا، پایکوب حوادث روزگار گردید و این پادشاه باتدبیر و رعیت پرور چون شیراز را دارالملك ساخت همراه با ساختن ابنیه و آثار گوناگون از مسجد، آب انبار، کاروانسرا، بازار و ارك، حصاری استوار نیز در اطراف شهر بر آورد: «در سال هزار و صد و هشتاد و کیل

۱ - شیرازنامه ص ۵۴ و ۵۵ - ایضاً رك. آثار عجم ص ۲۳

۲ - شیرازنامه ص ۷۶ و ۷۷ - ایضاً رك. آثار عجم ص ۲۳

۳ - فارسنامه ص ۷۷

۴ - شیرازنامه ص ۵۵ - ایضاً رك. فارسنامه ص ۴۹ و آثار عجم ص ۲۳

که خاطر را از نظم ممالک ایران جز خراسان آسوده داشت، شهر شیراز جنت طراز را پایتخت سلطنت خود فرمود و بنیاد ساختن عمارات نمود. اول قلعه شیراز را از گچ و آجر بنا کرده با تمام رسانید بعد از آن ارگی برای نشیمن و حرم سرای خود بساخت و بانجام رسانید. صاحب تاریخ زندیه نوشته است که چون اراضی خارج دروازه شیراز پستی و بلندی بسیار داشت دوازده هزار نفر عمله بولایات محروسه خود حوالت داد که برای تسطیح و هموار نمودن اراضی حاضر نمود و جماعتی از مطربان و سرناچیان و زنان آوازه خوان را گماشت که در چند جا بساط عیش گسترده مشغول بسازندگی بودند. برای آنکه جماعت کارکنان بتردماغی و خوش حالتی بوجد و سرور مشغول به عمل باشند» (۱)

استحکام و پهنای این حصار در آن زمان و در نوع خود نادر و شاید بی نظیر بوده است: «حصاری رفیع و قلعه‌ای منیع از گچ و سنک گرداگرد شهر کشید که دو عراده توپ مزدوجاً بر فراز آن می توانست غلطیید و حرکت نمود» (۲) درین حال شهر شیراز تنها از راه شش دروازه با خارج مربوط می شده:

دروازه اصفهان در قسمت شمال شرقی. دروازه باغ شاه در سمت شمال. دروازه کازرون در غرب. دروازه شاه داعی در سمت جنوب. دروازه قصابخانه در جنوب شرقی و دروازه سعدی در جانب شرقی شهر (۳)

پیش از روزگار کریم خان، شیراز را دوازده دروازه بوده است و کریم خان شش دروازه یعنی دروازه های بیضا، جباچی، سعادت آباد، فسا، گوسفند و دروازه خاتون را موقوف داشت (۴)

پس از چندی، چون آقامحمدخان قاجار بان تلاش بسیار و جنگ و جدالهای پی در پی و مدبرانه بالطفعلی خان زند و دیگر معاندان و غلبه بر آنها، بر سریر سلطنت

۱- فارسنامه ص ۲۱۶ ایضاً ر ک . آثار عجم ص ۴۲۴

۲- آثار عجم ص ۴۲۵

۳- آثار عجم ص ۴۳۲ و ۴۳۳

۴- فارسنامه گفتار دوم ص ۲۲

متمکن گردید، برای پایان دادن به پناه جستن متمردان به قلعه استوار تیسیرار و مصوبیت آنها در آن جای، به انهدام دیوار کریمخانی فرمان داد: « و حضرت آقا محمدخان از طهران حرکت فرمود و در چمن آسپاس فارس نزول اجلال نمود. و جناب حاجی ابراهیم خان واعیان فارس را احضار فرموده مورد عنایت شاهانه شدند و جان محمدخان قاجار را برای خرابی قلعه شیراز که مغفرت مآب کریم خان و کیل در چند سال از گچ و سنک و آجر ساخته بود مأمور نمود. از جماعتی از پیر مردان شیرازی شنیدم که چون کلنک و تیشه بر دیوار قلعه اثر نمی کرد، جماعت سنک تراش، بآلات و اسبابی که سنک از کوه جدا میکنند آن حصار کوه مانند را خراب نمودند » (۱)

درین هنگام، مردم شیراز، برای نزدیک ساختن راه بر خود، بجای عبور از دروازه ها، بصورت میان بر از دیوارهای نیمه خراب و شکسته و باصطلاح (کل) رفت و آمد می کردند. بعدها این معابر در میان توده مردم بهمین نام معروفیت یافت و حتی وقتی هیچ نشانی از دیوارها و گذرگاههای آنها بر جای نماند، همچنان کلمه (کل) زبانتزد مردم بود.

هریک از این (کل) ها در قسمت آخر کوچه های اصلی و پررفت و آمد و در میان دو دروازه واقع بوده: کل مشیر میان دروازه باغشاه و دروازه کازرون، کل شاهزاده قاسم میان دروازه کازرون و دروازه شاه داعی الله، کل شیخ ابو ذرعه میان دروازه قصاب خانه و دروازه سعدی، کل تیموری میان دروازه سعدی و دروازه اصفهان.

بین دروازه اصفهان و دروازه باغشاه، یعنی در سمت شمال و شمال غربی شهر، چون مشرف به کوه و نیز مسیر رودخانه می باشد و مردم را در آن جای رفت و آمدی نبوده، از (کل) نام و نشانی نیست.

در حال حاضر هر چند (کل) ها به صورت میدان و چهارراه درآمده و نیز بین

بسیاری از مردم به چهار راه و یامیدان شهرت یافته، اما هنوز شیرازیها آنها را (کل) می‌نامند. و بدین ترتیب در شیراز چهار موضع به «کل» شهرت دارد و به نام اشخاص مرشناس محلی و یابرخ‌ی از امامزاده‌ها و پیران صوفیه منسوب است: کل مشیر، کل شاهزاده قاسم، کل شیخ ابوذرعه و کل تیموری.

منابع

- شیرازنامه، تألیف احمد بن شهاب‌الدین ابی‌الخیر زرکوب شیرازی به کوشش دکتر اسمعیل واعظ جوادی، از انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۵۰
- تاریخ فارسنامه ناصوری، تألیف حاج میرزا حسن حسینی فسایی، تهران، انتشارات کتابخانه سنایی.
- آثار عجم تألیف محمد نصیر میرزا آقا فرصت حسینی شیرازی بمبئی مطبعه نادری ۱۳۵۳.
- فرهنگ فرس اسدی، صحاح الفوس، برهان قاطع، فرهنگ جهانگیری، فرهنگ سروری، فرهنگ آیدراج، فرهنگ معین و امثال و حکم دهخدا.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی